



تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر؛ علت‌ها و راهبردها*



مریم شیریان‌نسل** - دکتر جمال بیگی*** - دکتر بابک پورقهرمانی****

This is an open access article under the CC BY NC SA license: (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/>) **چکیده**

بزهکاری ناشی از عوامل ساختاری و اجتماعی است که زندان در از بین بردن آن‌ها تأثیری ندارد و تا زمان وجود علل و زمینه‌های بزهکاری در جامعه، زندان‌ها هم با ازدحام جمعیت کیفری مواجه خواهند بود. لذا سؤال اصلی این است که تورم جمعیت کیفری زندان‌ها ناشی از چه عواملی بوده و رعایت کدام راهبردهای اسناد بین‌المللی حقوق بشری می‌تواند در مدیریت آن تأثیرگذار باشد؟ تحقیق حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، حبس محور بودن قوانین، استفاده گسترده قضات از حبس و فراهم نبودن امکانات استفاده از فناوری‌های نوین از جمله دستبندها و پابندهای الکترونیک، از دلایل مهم تورم جمعیت کیفری زندان‌ها شناسایی شده‌اند که مقررات بین‌المللی حقوق بشر زندانیان را نقض می‌نمایند. نتیجه اصلی این که راهبردی جامع و چند رشته‌ای به‌منظور تبیین و مقابله با آن، برابر استانداردهای بین‌المللی لازم است. لذا این مقاله بر آن است تا عوامل مؤثر بر تورم جمعیت کیفری در زندان‌های ایران را از منظر آموزه‌های علوم جنایی تجربی با تکیه بر راهبردهای حقوق بین‌الملل بشر در مدیریت جمعیت کیفری بررسی نماید.

کلیدواژگان: جمعیت کیفری، ازدحام زندان‌ها، حبس‌انگاری افراطی، بازداشت قبل از محاکمه، اسناد بین‌المللی حقوق بشری.

* این مقاله برگرفته شده از رساله دکتری تخصصی مریم شیریان‌نسل با عنوان «مطالعه جرم‌شناختی تورم جمعیت کیفری زندان‌ها در ایران و راهکارهای کاهش آن» با راهنمای دکتر جمال بیگی است.
** دانشجوی دکتری تخصصی پژوهش محور رشته گروه کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

*** نه‌سند مسؤل، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران / ایمیل: iamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir
**** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

مقدمه

موضوع ازدحام جمعیت در زندان‌ها برای چندین دهه در سیاست‌های بین‌المللی و ملی جای داشته و با مبانی نظری و سیاست‌های عملی هر نظام کیفری در ارتباط است. نظام‌های مبتنی بر سزادهی، «به دلیل روی‌گردانی از ملایمت و تساهل در برابر بزهکاران و اعمال سیاست سخت‌گیرانه، در عمل با تورم جمعیت زندانی روبه‌رو بوده» (Davoodi Garmaroodi, 2007: 51). «و با مبارزه مقطعی یا بلندمدت با جرائم خاصی نظیر مواد مخدر سبب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شود» (Grosk, 2001: 1). «مساله موردتوجه در این رویکرد، کنترل خطر و فراهم‌سازی دفاع اجتماعی است که خدمات متمرکز و تشدید یافته برای بزهکاران پرخطر پیشنهاد می‌نماید و نتیجه سیاست‌های کنترل جرم و مدیریت خطر، تشدید مجازات و افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها بوده است» (Jones and Newburn, 2002: 174; Losel, 1998: 17). در این میان، تمایل به ایجاد شرایط سخت‌تر در زندان، افزایش ارباب به‌عنوان هدف اصلی مجازات و توجه خاص به تأمین امکانات رفاهی در زندان با در نظر گرفتن شایستگی‌ها و اعمال تبعیض در ارائه این امکانات، همگی تحت تأثیر «دکترین شایستگی کم‌تر»^۱ بوده است (Sparks, 2002: 110). به‌عنوان مثال «اعتراضات در ایالات متحده روندی عادی است لکن افراد بازداشت شده پس از اعتراضات، نحوه رسیدگی به دادگاه آنان و در نهایت احکام صادر شده و حبس‌های در نظر گرفته برای سفیدپوستان و سیاهان این کشور نشان‌دهنده تبعیضات گسترده‌ای بوده است. تنها در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ یعنی از سال ۲۰۱۶ میلادی تا سپتامبر سال ۲۰۲۰ میزان دستگیرشدگان سیاهپوست بیش از هشت برابر سفیدپوستان بوده است» (Alishahi and et.al., 2020: 140).

نرخ جمعیت کیفری در ایران «همواره یکی از موضوع‌های موردتوجه سیاست‌گذاران جنایی بوده است که همواره از سوی کارشناسان برای بروز و افزایش آن، عوامل مختلفی مطرح گردیده است.» (Davoodi Garmaroodi, 2006: 19-20). «شدت مجازات‌ها و متناسب نبودن آن‌ها در جرائمی مثل مواد اعتیادآور، نشان‌دهنده شدت عمل مقنن و نتیجه آن تورم جمعیت کیفری زندان‌هاست» (Bullk, 2012: 36). در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، همچون ایران، «میزان

^۱. The Doctrine of Less Merit

جمعیت زندانی پیش از محاکمه، از جمعیت زندانی محکوم شده بیش تر است» (United Nations

Office on Drugs and Crime, 2013: 11)

آسیب‌های ناشی از تراکم جمعیت زندان‌ها و پیامدهای ناگوار آن در زمینه‌های بهداشتی (انتقال بیماری‌های مسری)، جرم‌شناختی (تکرار جرم)، اخلاقی (تجاوزهای جنسی به لحاظ تورم جمعیت در بندهای مختلف زندان) و اجتماعی (انقطاع شغلی و خانوادگی) باعث شده است که در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشری هم این موضوع مطرح گردد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، مواد ۲ و ۴ کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه ۱۹۸۴، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱ و ماده ۴۹ منشور حقوق بنیادین اروپا ۲۰۰۰، اصل تناسب جرائم و مجازات‌ها و ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب را به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار داده‌اند (Rahimi Neja and Habibzadeh, 2008: 116). «مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی هم در سال ۲۰۰۱ «سند بین‌المللی بهبود سیاست زندانبانی» را منتشر نمود که می‌توان آن را دکترین بین‌المللی در موضوع اجرای کیفر حبس دانست» (Saeedi Nazad, 2009: 5). مجموعه اصول برای حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس، اصول اساسی رفتار با زندانیان، قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای موازین جایگزین حبس (قواعد توکیو)، توصیه‌نامه ۱۳(۲۰۰۶)Rec هیأت‌وزیران شورای اروپا مصوب ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ درباره شرایط استفاده از بازداشت و توصیه‌نامه ۲۲(۱۹۹۹)R این شورا در مورد ازدحام در زندان و تورم جمعیت کیفری مصوب ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۹، مهم‌ترین اسناد حقوق بشری هستند که بر رعایت استانداردهای حداقل حقوق بشری و اصول کلی ناظر بر شیوه‌های جایگزین بازداشت قبل از محاکمه تأکید می‌نمایند.

پیش‌بینی این قبیل مقررات در نظام بین‌المللی حقوق بشر در واقع بیانگر این است که یکی از انگیزه‌های مهمی که کشورها را وادار به پذیرش موافقت‌نامه‌های انتقال محکومان به حبس نموده،

¹. International Prison Policy Development Instrument

رعایت موازین حقوق بشری است» (Carrier and et.al., 2018: 135). از دیدگاه نظام حقوق بین‌الملل بشر، زندان فقط باید در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود؛ اما با توجه به وضعیت تراکم پر زندان‌ها، اجرای کیفر حبس به تمامیت جسم و روح محکوم، آسیب وارد می‌سازد و هویت او را دگرگون ساخته و اختلال‌هایی در شخصیت وی ایجاد می‌نماید که در درازمدت، زندانی مفهوم آزادی و میل به ابتکار را از دست می‌دهد و یا برعکس حالت طغیان و پرخاشگری و حتی شورش‌های دست جمعی بروز می‌کند. این در حالی است که رعایت حق کرامت انسانی از جمله حق‌های بنیادین بشری است که انسان بزهکار هم از آن برخوردار است. «رویکرد اسناد و رویه‌های بین‌المللی در تعریف ازدحام در زندان‌ها، بر معیار «مجموعه شرایط» بیش‌تر منطبق بوده است که ترکیبی است از معیارهای کمی حداقل فضا و ظرفیت و کیفی شرایط اساسی می‌باشد» (Hans Burke, 2015: 19). از سوی دیگر، «منشأ ازدحام، افزایش جمعیت کیفری است که تغییرات آن از طریق معیار نرخ زندان که بر اساس هر یک نفر در هر صد هزار نفر جمعیت کل یک کشور محاسبه می‌گردد، تعیین می‌شود» (Walmsley, 2013: 3). نکته حقوق بشری که باید به آن توجه داشت این است که هدف‌های صیانت از جامعه و منافع بزه دیده، صرفاً نباید با نقض یا نفی هدف بازپروری بزهکار در اجرای کیفر حبس تأمین شود.

این نوشتار در راستای پاسخ به این سؤال اصلی است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تورم جمعیت کیفری زندان‌ها در ایران از منظر علوم جنایی تجربی کدام‌اند؟ و نظام بین‌المللی حقوق بشر با ارائه چه راهبردهایی می‌تواند در مدیریت آن تأثیرگذار باشد؟ به نظر می‌رسد تصویب قوانین حبس زنا، حبس انگاری افراطی و فراوانی نرخ بازداشت‌های قبل از محاکمه، در کنار موانع و محدودیت‌های ارفاقی مقنن و قضات نسبت به برخی از بزهکاران؛ از جمله عوامل مؤثر بر تورم جمعیت کیفری در زندان‌های ایران می‌باشند. از این رو، با پایبندی به راهبردهای ناظر بر شاخص نرخ جمعیت کیفری مطرح شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر زندانیان، می‌توان آن را مدیریت نمود. در این پژوهش باهدف علت‌شناسی ازدحام جمعیت کیفری زندانیان و راهبردننگاری از منظر حقوق بشر؛ به روش توصیفی و تحلیلی نظریه‌های جرم‌شناسی، اسناد بین‌المللی حقوق

¹. Conditions Set

بشری، قانونمندی‌ها، اصول و راهبردهایی برای آسیب‌شناسی تقنینی، قضایی، اجرایی و عملی تورم جمعیت کیفری، جهت بهره‌مندی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به کار گرفته می‌شود، لذا می‌توان آن را از نوع کاربردی دانست. از این رو، ضمن بررسی مؤلفه‌های اصلی تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و عوامل مؤثر بر آن، این مقاله تلاش می‌کند تا بر پایه آموزه‌های علوم جنایی تجربی، سیاست جنایی تقنینی، قضایی و مدیریت زندانبانی را در ایران به جهت بروز و تشدید تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر آسیب‌شناسی نماید.

۱- پیشینه پژوهش

آشوری؛ صفاری و انصاری (۱۳۹۸)، با انجام تحقیق «استانداردهای حداقل بازداشت پیش از محاکمه در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»، اصول و استانداردهای بین‌المللی ناظر بر بازداشت‌های قبل از محاکمه را برای برون‌رفت از بحران ازدحام جمعیت کیفری زندان‌ها شناسایی نموده‌اند. ریاضت (۱۳۹۷)، با مطالعه «نقش اسناد بین‌المللی و حقوق بشری در تحول کیفر حبس و جایگزین حبس»، معتقد است که اسناد بین‌المللی با ارائه استانداردها و هنجارهایی بیش از همه بر تحول کیفر حبس و جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران تأثیرگذار بوده است. آشوری و انصاری (۱۳۹۷)، با انجام تحقیق «عوامل افزایش جمعیت کیفری ناشی از بازداشت‌های پیش از محاکمه»، در کنار ضعف مقنن در تقنین مقررات مربوط به بازداشت موقت، اتکای بیش از حد و ناکارآمدی قضاات به مجازات حبس، تمایل دادستان‌ها به کنترل جرم، استفاده حداقلی و محدود از اقدام‌های غیربازداشتی و ضعف‌های ساختاری و سازمانی قوه قضاییه را عمده‌ترین عوامل قضایی افزایش شمار متهمان منتظر محاکمه دانسته‌اند. میرخلیلی و یعقوبی (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، حبس‌گرایی آحاد جامعه، پیشینه خانوادگی و تربیتی قاضی، سوابق بزه‌دیدگی قاضی یا نزدیکان وی، فقدان آموزش‌های جرم‌شناختی، نبود سازوکارهای اجرایی برخی جایگزین‌های حبس و بی‌اعتقادی مقام‌های قضایی به مؤثر بودن جایگزین‌های حبس را از جمله عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها دانسته‌اند. هم‌چنین در مقاله دیگر از ساسکی (۲۰۱۱)، با انجام تحقیق در مورد «استراتژی‌ها و بهترین شیوه‌های مقابله با ازدحام بیش از حد در مراکز اصلاح و تربیت» به این نتیجه رسیده است که: از آنجایی که دلایل

رشد جمعیت کیفری زندان‌ها متعدد و از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده و طیف وسیعی از عوامل و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله وجود یا فقدان شبکه‌های حمایتی اجتماعی، اقدام‌های پیشگیرانه، توسعه نظام عدالت کیفری، برداشت‌های اجتماعی از جرم و نقش حبس در مقابله با جرم، استفاده بیش‌ازحد از زندان، فساد، سیاست‌های سخت اجتماعی و افزایش نابرابری درآمدی را دربر می‌گیرد. باملاحظه نتایج و یافته‌های سوابق این موضوع می‌توان ادعان داشت که برخلاف قوت این نوشتگان در حوزه تدابیر جایگزین حبس و راهکارهای کاهش جمعیت کیفری، تورم جمعیت کیفری زندان‌ها در ایران بر پایه مطالعات علوم جنایی تجربی و مقررات بین‌المللی حقوق بشر، در پژوهش‌های انجام‌یافته به‌طور مبسوط آسیب‌شناسی نشده‌اند.

۲- مبانی نظری: علت‌شناسی تورم جمعیت کیفری زندان‌ها از منظر علوم جنایی تجربی

تا قبل از تدوین نخستین دستورالعمل سازمان‌دهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها در سال ۱۳۹۲، اصطلاح «تورم جمعیت کیفری» یا «ازدحام در زندان‌ها» به کار نرفته بود. لذا هرچند در حقوق ایران این اصطلاح تعریف نشده است، لیکن وقتی کشوری برای کاهش و یا حداقل ثابت نگه‌داشتن نرخ زندانیان و جلوگیری از افزایش و ازدحام آن‌ها و اصلاح و درمان زندانیان، به تغییرات و تحولات مستمر و دائمی در قوانین که عمدتاً در راستای توسعه دامنه جرائم مستوجب حبس و یا تشدید مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی است، اقدام می‌نماید. در این حالت، «آن کشور با پدیده «تورم جمعیت کیفری زندان‌ها» روبه‌رو است» (Grosk, 2001: 2). ناگفته نماند که برخی از نویسندگان نیز به‌جای جمعیت کیفری، به «جمعیت اصلاحی»^۱ اشاره می‌کنند که شامل کلیه افرادی است که تحت یکی از شکل‌های مراقبت و اصلاح اعم از زندان‌های بلندمدت یا کوتاه‌مدت، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط می‌باشند» (BJS-Correctional Populations in the United States, 2014) مطابق اعلام مرکز بین‌المللی مطالعات زندانیان، «ایران

^۱. Criminal Population Inflation.

^۲. Overcrowding in Prisons

^۳. Criminal Population Inflation in Prisons

^۴. Correctional Population

در میان ۸ کشور اول دنیا از لحاظ نسبت میان جمعیت و زندانی قرار دارد» (Gholami, 2016: 14). برابر اظهارات مدیرکل قضایی و اجرای احکام سازمان زندان‌های کشور، «سرانه فضای فیزیکی هر زندانی در ایران به میزان ۱۴ مترمربع هست که شامل تمام فضاهای مورد استفاده زندانیان می‌شود و ظرفیت اشغال‌شده زندان‌های کشور در سال ۱۳۹۸، ۱۲۷٫۶ درصد بوده است و هم‌چنین تعداد زندانیان ۲۸ درصد بیش از ظرفیت زندان‌ها است» (Pourmand, 2019: news code 955211). از آنجایی که علوم جنایی تجربی، رفتار مجرمانه را به‌عنوان واقعیتهای انسانی و اجتماعی از زاویه‌های گوناگون روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و غیره مورد مطالعه قرار می‌دهند. لذا تورم جمعیت کیفری زندان‌ها هم به جهت جامعیت موضوع، می‌بایستی در تمام حوزه‌های زیستی، روانی، اجتماعی، بالینی، پزشکی، پیشگیری و حقوقی علت‌شناسی گردد.

۲-۱- جرم‌انگاری افراطی و تصویب قوانین حبس‌زا

بی‌شک «تورم کیفری و جرم‌انگاری‌های افراطی و قوانین حبس‌زا و در کنار آن قضات حبس‌محور، از عمده عوامل بروز و افزایش جمعیت کیفری در زندان‌های ایران هستند» (Goodarzi Boroujerdi and Javanfar, 2003: 140). وقفه در عملکرد نهادهای نظام عدالت کیفری، سیر صعودی رقم بزهکاری، کاهش کارایی مجازات، تزلزل اصل رفع مسئولیت مبتنی بر جهل به قانون، افزایش تعداد بزهکاران و تورم جمعیت کیفری ناشی از جرم‌انگاری افراطی از جمله مسائلی است که زندان‌ها بلافاصله پس از تورم قوانین کیفری با آن مواجه می‌شوند. وضع و تصویب قوانین حبس‌زا نه تنها قبیح زندان را از بین می‌برند، بلکه موجب ازدحام جمعیت در زندان‌ها هم می‌شوند. اگرچه نگاه قضات به زندان نقش برتری دارد، لیکن تصویب قوانین حبس‌زا در افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها نقش اساسی تری دارد. چراکه دست قاضی را جهت فرستادن مجرم به زندان باز می‌گذارد. «قوانین کیفری ایران حبس‌محور هستند تا جایی که در قوانین ایران حدود ۱۴۰۰ مورد عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از آن‌ها، کیفر حبس پیش‌بینی شده است» (Vazir, 2018: 69).

^۱ «علوم جنایی تجربی (Experimental Criminal Sciences) به‌طور کلی به دو گونه علوم جرم‌یابی و علوم تحلیلی یا تفسیری دسته‌بندی می‌شود. به اعتبار دانش‌هایی که اجزای علوم جنایی تحلیلی یا تفسیری را تشکیل می‌دهند، این علوم به جرم‌شناسی، کیفرشناسی، جامعه‌شناسی کیفری و ... تقسیم می‌شود» (Niazpour, 2007: 1).

قانون‌گذار در سال ۱۳۶۲ «با تصویب قانون تعزیرات، برای ۱۰۵ عنوان مجرمانه مجازات حبس پیش‌بینی نمود. ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، این مجازات به ۲۰۶ مورد رسید» (Mohammadnejad, 2005: 34-36). این تغییر گرایش ناگهانی باعث شد در پایان دهه هفتاد، شمار زندانیان چنان بالا رود که از یک سو فضای کافی برای زندانیان و از سوی دیگر بودجه قوه قضائیه برای پاسخ مناسب به مسائل محبوسان به مشکل برخورد، «به طوری که فضای موجود برای هر فرد زندانی در سال ۱۳۸۰، دو و نیم مترمربع بود، در حالی که استاندارد جهانی این فضا بیست مترمربع است» (Amirarajmand, 2002: 7). هرچند سیاست کلی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سیاست حبس‌گریز بوده و نهادها و تأسیساتی را ابداع نموده که در قوانین قبلی بی‌سابقه بوده‌اند؛ اما قانون‌گذار در راستای هدفش سیر صعودی و مستقیم نداشته و در مواردی گام‌هایی بسیار مثبت در این زمینه برداشته، لکن در جاهایی دیگر در جهت سزادهی مجرمان، حبس آن‌ها را اولویت کار قرار داده است. از طرفی دیگر، با بعضی قید و شرط‌ها بی‌دلیل به کلی از حبس‌زدایی دوری جسته و حبس محور می‌گردد. «بدین ترتیب سیاست حبس‌زدایی که مورد تأکید اسناد بالادستی بوده، در لایه قانون‌گذاری ایران به طور کامل پیاده نشده و با اینکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نهادهایی برای اجرایی شدن این سیاست پیش‌بینی شده است» (Bahremand, 2017: 372).

یافته‌های نظری سایرین هم «موفقیت حبس‌زدایی در ایران را با توجه به فرهنگ حبس‌گرای ایرانیان و شیوه نگارش قانون، مورد تردید قرار داده‌اند» (Moradi Dalvand, 2015: 72). البته عملکرد قانون‌گذار نیز بر سیطره حبس‌گرایی در دستگاه عدالت کیفری نقش بسزایی داشته است. «جرم‌انگاری ایجاد ممانعت و مزاحمت در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر و تعیین مجازات حبس برای آن در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۳۹۴ از جمله قوانین حبس‌زای تصویب‌شده در دهه نود است. به عنوان مثال دیگر، پیش‌بینی بیش از ۴۰ مورد

مجازات حبس در فصل سوم لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» به‌طور قطع با سیاست‌های کلی نظام در امور حقوقی و قضایی که بر موضوع حبس‌زدایی و ضرورت مدنظر قرار دادن مجازات‌های جایگزین حبس تأکید دارد، در تضاد است» (Pourmahiabadi and Ghomashi, 2018: 56).

۲-۲- حبس‌انگاری افراطی و بازداشت قبل از محاکمه

حبس‌انگاری قضات برای یک رفتار مجرمانه بدون توجه به امکانات دستگاه عدالت کیفری در اجرای این کیفر، آثار و پیامدهای منفی زیادی می‌تواند داشته باشد که افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها یکی از آنهاست. حبس‌انگاری افراطی، نه تنها هزینه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و در سطح وسیع‌تر هزینه‌های کلان سیاسی را به جامعه تحمیل می‌کند، بلکه هم زندانی و هم آحاد جامعه را به‌طور غیرمستقیم متأثر می‌سازد (Habibzadeh & Zeinali, 2005: 5-8). «پس از گذشت سال‌ها از تأسیس نهاد زندان علی‌رغم ظهور مکاتب فکری در تبیین جرم و واکنش در مقابل آن و پیشرفت علوم جرم‌شناختی که وضعیت زندان‌ها را از هدف سزادهی به‌سوی اصلاح بزهکاران تغییر جدی داده، ولی بازهم قضات کیفری از این مجازات استفاده می‌نمایند. از منظر جامعه‌شناسی، تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می‌تواند در اجرای احکام مؤثر باشد» (Nazerzadeh Kermani & Emami Ghaffari, 2014: 157). «اصولاً تراکم پرونده‌های کیفری و فشار افکار عمومی در جهت اتخاذ تصمیم قضایی سریع، به‌تدریج سبب شده است که قضات علی‌رغم تخصص فنی، مطالعات کم‌تری از لحاظ جرم‌شناختی به موضوع جمعیت کیفری زندان‌ها داشته باشند. «قضات محاکم کیفری به لحاظ موانع موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ آن مصوب ۱۳۹۳/۶/۱۲، به‌خصوص در تعامل با نهادهای پذیرنده و ناکارآمدی دستورالعمل‌های موجود در باب نحوه مراقبت و نظارت و شرایط دشوار نحوه محاسبه و تبدیل مجازات‌های جایگزین، از اعمال جایگزین‌ها اجتناب می‌نمایند و تعداد اندکی از محاکم کیفری که مبادرت به صدور حکم مجازات جایگزین

۱. این لایحه به جهت عدم تصویب در مجلس شورای اسلامی، تغییر نام داده و با عنوان جدید «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» و با حذف و اضافه‌هایی سرانجام به تأیید قوه قضاییه رسیده و به دولت ارسال شده است.

می‌نمایند، اکثریت جایگزین‌های سنتی به‌خصوص جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط را صادر می‌نمایند و به‌ندرت جایگزین‌های نوین مورد حکم قرار می‌گیرد» (Beigi and Beigi, 2019: 10).

بسترهای موجود در دستگاه قضایی و آثار غیرقابل‌انکار آن‌ها، موجب می‌شود تا مجازات حبس به مراتب مطلوب‌تر و خوشایندتر از نهادهای حبس‌زدا باشد. دو چالش حجم بالای پرونده‌ها و کمی‌گرایی، از مهم‌ترین بسترهای افزایش جمعیت کیفری در زندان‌های ایران محسوب می‌شوند. با توجه به مشکلات زیرساختی موجود در سیستم قضایی، قاضی نمی‌تواند با فراغت بالا و با دقت، به احراز عناصر جرم و اثبات مجرمیت و هم‌چنین فردی کردن مجازات و صدور مجازات‌های جایگزین حبس بپردازد، لذا موجبات افزایش جمعیت کیفری فراهم می‌شود. «البته این معضلات، دغدغه‌ای تأثیرگذار برای قضات اجرای احکام نیز محسوب می‌شود. از نظر این قضات هم حبس بهتر است، چون کار کم‌تری می‌برد. عدم شناسایی اموال توسط محکوم له را هم می‌توان به‌مثابه استراتژی کم‌دردسر ولی حبس‌زای اجرای احکام معرفی نمود. بنابراین، حجم بالای پرونده‌ها و کمی‌گرایی نظام عدالت کیفری و فراهم نبودن امکانات لازم برای استفاده از فناوری‌های نوین از جمله دستبندها و پابندهای الکترونیک، بسترهایی هستند که مسیر صدور و یا اجرای آراء منتهی به زندان را برای قضات، هموارتر و درنهایت موجبات افزایش جمعیت کیفری در زندان‌های ایران را فراهم می‌سازند» (Pourmahiabadi, Bustani & Ghomashi, 2018: 3۹-۴۱). امروزه اصل «صدور قرار بازداشت موقت در موارد خاص و استثنایی» در اسناد بین‌المللی و حقوق کشورهای مختلف پذیرفته شده است. «در انگلستان به‌عنوان یک قاعده کلی، بازداشت موقت متهم در صورتی که جرم ارتكابی مستلزم مجازات حبس نباشد، ممنوع است؛ مگر این‌که متهم قبلاً تحت قرار تأمین آزاد بوده و از حضور نزد مقام‌های قضایی در مواقع تعیین‌شده، امتناع داشته باشد» (Muezzin Zadegan, 1994: 254). «عدم رعایت قواعدی مانند صدور قرار بازداشت موقت در موارد خاص و استثنایی، محدودیت مدت آن، پذیرش حق اعتراض متهم و لزوم جبران

^۱ «جایگزین‌های جدید حبس که به کیفرهای بینابین هم تعبیر شده‌اند و در میان کیفر حبس و تعلیق مراقبتی قرار دارند، کیفرهایی هستند که به‌جای زندان توسط قاضی مورد حکم قرار می‌گیرند و به‌این ترتیب جایگزین زندان شده و مانع ورود افراد به زندان‌ها می‌شوند» (Beigi, 2008: 2).

خسارت ناشی از بازداشت غیرضروری که از آن‌ها می‌توان به تضمینات حقوق متهم در دادرسی عادلانه و منصفانه یاد نمود» (Yazdaniyan, 2002: 238). ضمن نقض حقوق بشر زندانیان، درنهایت منجر به ازدحام جمعیت کیفری در زندان‌ها می‌شود. بازداشت قبل از محاکمه به دلیل ضعف و ناکارآمدی در سیاست‌های جنایی و رواج فرهنگ زندان، صرفاً به ابزاری برای اعمال قدرت و حل مشکلات سطحی دولت‌ها در کنترل بزهکاری مبدل شده است. چنین پدیده‌ای مضاف بر نقض حقوق و آزادی‌های فردی، نقطه عزیمت تورم جمعیت کیفری زندان‌ها گردیده است.

عدم تناسب قرار تأمین کیفری، عدم پذیرش کفیل، وثیقه و اعتراض، عدم تفهیم قرار تأمین، تفهیم اتهام بدون دلایل کافی و بدون توجه به فقد وصف جزایی، تغییر عنوان اعتیاد به استعمال، عدم توجه به مقررات اصلاحی بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه و تعقیب و تحقیق برخلاف موازین شرعی و قانونی در جرائم منافی عفت از جمله عوامل منجر به بازداشت قبل از محاکمه هستند که درنهایت موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شوند. البته نقش قضات ناظر بر زندان‌ها، شوراهای حل اختلاف و اجرای احکام زندان‌ها در افزایش زندانیان تحت قرار هم بسیار مهم است. ناگفته نماند که اکثر قضات بدون بررسی مجدد موارد ابقاء یا فک یا تخفیف قرار بازداشت موقت، به صورت تشریفاتی در خصوص ابقاء قرار اظهارنظر می‌کنند.

«به‌طور کلی عوامل افزایش نرخ بازداشت قبل از محاکمه به‌عنوان یکی از دلایل تورم جمعیت کیفری زندان‌ها در ایران را می‌توان در عوامل قانونی، قضایی و ساختاری خلاصه نمود. جرم‌انگاری حبس محور، سخت‌گیری کیفری، کنترل ویژه جرائم مواد مخدر، تقویت جنبه‌های حمایت از حقوق بزه دیده، کافی نبودن تدابیر غیربازداشتی و جایگزین‌های تعقیب و عدم لحاظ واقعیت‌ها در بازداشت موقت از مهم‌ترین عوامل تقنینی مؤثر در افزایش بازداشت‌های قبل از محاکمه می‌باشند. «از عوامل قضایی ذی‌دخل در ازدحام جمعیت زندانیان هم می‌توان به تقاضای دادستان‌ها برای کنترل جرم، بازداشت گرای افراطی قضات، استفاده حداقلی از تدابیر غیربازداشتی و عدم رعایت نصاب حداکثر مدت بازداشت‌های قبل از محاکمه توسط قضات اشاره نمود. ضعف امکانات و تجهیزات و منابع انسانی هم به‌مثابه عوامل ساختاری و سازمانی می‌توانند منجر به افزایش بازداشت‌های قبل از محاکمه شوند» (Ashouri & Ansari, 2018: 19-26)

«لذا به‌جای تمرکز صرف بر نظام زندان‌ها، بایستی به استراتژی‌های حبس‌زدایی برای کاهش

تعداد افراد محکوم به زندان، کاهش استفاده از بازداشت موقت، کاستن طول مدت بازداشتی‌ها و هم‌چنین توسعه تدابیر ناظر بر غیرحبس متمرکز شد» (Griffiths and Murdoch, 2009: 28).

۳-۲- موانع و محدودیت‌های نهادهای ارفاقی در برخی جرائم

با توجه به اهداف مجازات‌ها و نگاه جرم‌شناختی به جرائم مواد مخدر نسبت به شرایط موجود و با عنایت به این‌که قانون مبارزه با مواد مخدر در غیر از مجازات اعدام، تعزیر محور است. این در حالی است که قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر درصدد قبض اختیارات قاضی در مقام تخفیف و نظام‌مندسازی آن بوده است. «برخی معتقدند که با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اراده نهایی قانون‌گذار بر همین نظام‌مندسازی تعلق گرفته است و در ماده ۳۷ به صورت منطقی با ایجاد محدودیت‌هایی در اختیارات قضات در استفاده از نهاد تخفیف، همان هدف تأمین شده است. لذا با تصویب این قانون و نظام‌مندسازی مقررات تخفیف به شکل حاضر و توجه به هدف و غرض مقنن، دلیلی برای تمسک به ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در دست نیست» (Bahremand Ahmadzadeh & Rostami, 2017: 46). این دیدگاه هرچند خالی از قوت به نظر نمی‌رسد، اما با استظهار از بند سوم نظریه شماره ۴۵۷۵-۱۳۷۲/۲/۱۸ شورای نگهبان، تاب معارضه با دلیل عدم نسخ این ماده را ندارد و لذا هم‌چنان مقررات تخفیف منصرف به همین ماده است؛ بنابراین با وحدت ملاک رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸-۱۳۷۷/۶/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۱ و نظریه شماره ۷/۲۶۳-۱۳۷۱/۵/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه به نظر می‌رسد ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تخفیف در مجازات‌ها حاکم است.

بر اساس ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صدور حکم و اجرای مجازات در مورد قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان و شروع به آن قابل تعویق و تعلیق نیست. هم‌چنین بر اساس ماده ۱۰۹ همان قانون، جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند. هم‌چنین، نهادهای ارفاقی پذیرفته‌شده به‌عنوان رکن اصلی فردی سازی در فرآیند تعیین کیفر با مجازات‌های جرائم مواد مخدر مورد غفلت واقع شده است.

^۱ استدلال هیئت عمومی دیوان در رأی وحدت رویه فوق که حکم خاص قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام هم‌چنان به قوت سابق پابرجا است، مبنی به عدم وجود خصوصیت ویژه آن، در مورد قانون مبارزه با مواد مخدر هم قابل احتیاج است.

چراکه در قانون مبارزه با مواد مخدر به بخش عمده‌ای از نهادهای ارفاقی موجود در نظام حقوق کیفری اشاره‌ای نشده است. «هرچند برخی اعتقاد دارند که رجوع به عموماً در سایر نهادهای ارفاقی را که در قانون مبارزه با مواد مخدر نفیاً یا اثباتاً اشاره‌ای به آن‌ها نشده است، بنا به مفهوم مخالف بند ۴۷ و بند پ ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی و وحدت ملاک رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ و نظریه‌های مشورتی ذکر شده و اقتضای قاعده تفسیر به نفع متهم، می‌توان مورد پذیرش قرار داد» (Bahremand Ahmadzadeh and Rostami, 2017: 48-52)

لیکن با وجود اینکه امکان اعمال نهادهای ارفاقی در جرائم تعزیری امری پذیرفته شده است، قانون مبارزه با مواد مخدر تنها امکان اعمال تخفیف محدود را به‌عنوان نهاد ارفاقی پیش‌بینی کرده است. لذا علیرغم ضرورت وجود نهادهای ارفاقی، به جهت تخصیص این قانون در خصوص نهادهای ارفاقی پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، امکان اعمال نهادهای ارفاقی همچون معافیت، تعلیق، تعویق، نیمه آزادی، آزادی مشروط، مرور زمان، توبه و جایگزین‌های حبس به جهت پیش‌بینی نشدن در قانون مبارزه با مواد مخدر، وجود ندارد.

با توجه به تحولاتی که در علوم جنایی تجربی حاصل شده است، دیگر اعتقاد بر کارآیی و سازگاری مجازات‌های ثابت وجود ندارد. استفاده از نهادهای ارفاقی می‌تواند در جامعه آثار بسیار مثبتی نظیر جلوگیری از برچسب خوردن افراد، انجام فعالیت‌های روزانه، دور بودن از محیط زندان و اشتغال از خود برجای بگذارد؛ بنابراین از طریق اعمال نهادهای ارفاقی می‌توان ازدحام جمعیت کیفری در زندان‌ها را کاهش داد. «با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نهادهای ارفاقی جدیدی نظیر معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و مجازات‌های جایگزین حبس به‌نظام عدالت کیفری ایران اضافه شده‌اند. نهادهای ارفاقی درصدد هستند تا ضمن بازسازی محکوم‌علیه، زمینه را برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌های ایران نیز بتواند فراهم نمایند.» (Pour Qahramani and Neghadar, 2019: 241-247) در نظام کیفری ایران جرائم حدود، قصاص و دیات در ماهیت خود قابل تعویق یا قابل تعلیق نیستند. در جرائم علیه امنیت از قبیل جاسوسی، طرح براندازی، خرابکاری یا ایجاد اختلال در نظام و امنیت داخلی و خارجی، نمی‌توان مجازات را تعویق یا حتی تعلیق کرد. هم‌چنین در جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه و بندهایی که در ماده

۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است، نمی‌توان تعلیق را اجرا نمود. طبق ماده ۱۰۹ قانون یادشده، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، مشمول مرور زمان نمی‌شوند.

موضوع نسخ و اعتبار در خصوص حکم خاص قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نیز مطرح بوده که در نهایت منتهی به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ گردید که اکثریت قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم خاص آن قانون را هم چنان به قوت سابق پابرجا دانسته‌اند. بدین ترتیب ممنوعیت اعمال نهاد ارفاقی تعلیق اجرای مجازات و محدودیت برای نهاد ارفاقی تخفیف تصریح شده در این قانون خاص، به نظر می‌رسد که به قوت خود باقی باشد. در مجموع علاوه بر جرائم یادشده و سایر جرائمی که مقنن به موجب حکم خاص نظیر قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۶۹)؛^۱ برای قضات محدودیت یا ممنوعیتی ایجاد نموده است.

۳- راهبردهای حقوق بین‌الملل بشر برای مدیریت جمعیت کیفری

جهان‌گستری حقوق بین‌الملل بشر به جهت همراه داشتن حقوق و تعهدات برای همه دولت‌ها با هر فرهنگ، آرمان، مذهب و ویژگی جغرافیایی، بنیان چند فرهنگی جامعه بین‌المللی و ضرورت مشارکت دیدگاه‌های گوناگون در پی‌ریزی هنجارهای حاکم بر سرنوشت همگانی، مهم‌ترین دلیل بر لزوم همت سیاست‌گذاران حوزه زندان‌های کشورهای مختلف برای مدیریت جمعیت کیفری در زندان‌ها است که منطبق با اصول و هنجارهای بنیادین حاکم بر جامعه بین‌المللی باشد. چراکه نقض حقوق بشر و توانایی بالقوه آموزش راهبردهای حقوق بشر، در توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر (زندانیان)، توجهس بیش می‌طلبد (Bageri hamed, 2019: 66).

از این رو، پابندی به حاکمیت ملی و حتی موازین حقوق بشر اسلامی و تلقی ماهیت غربی حقوق بین‌الملل بشر، نباید بهانه‌ای برای روی گردانی یا مشارکت اندک دولت ایران به الحاق و اجرای

^۱. به موجب تبصره ۵ ماده ۲ این قانون، هیچ‌یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و هم‌چنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

اسناد بین‌المللی حقوق بشری در امور زندانیان گردد؛ بنابراین بیش‌ترین نزاع درباره ازدحام جمعیت کیفری در زندان‌های ایران مربوط به جنبه‌های حقوق بشری آن است.

۳-۱- قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل با تصویب بیانیه کامپالا در خصوص شرایط زندان در آفریقا به تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۹۵، با اشاره به تأثیرهای مخرب زندان بر ضرورت استفاده حداقلی از آن، توجه ویژه به زندانیان در معرض آسیب مانند کودکان، زنان و بیماران روانی، آشنایی با جایگزین‌های حبس و استفاده از راهکارهای غیرکیفری در جرائم خرد تأکید نموده است. سند مهم حقوق بشری بعدی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در رابطه با استانداردها و هنجارهای مجازات حبس، «بیانیه آروشا در زمینه رویه‌های زندان خوب است»^۱ که در ۳۰ آگوست ۱۹۹۹ به تصویب رسیده است (Economic & Social Council Resolution, 1999). در این سند بر اصل شفافیت و پاسخ‌گویی حاکم بر مدیریت زندان و زندانیان، تأکید شده که مردم بایستی در خصوص کارکرد آن آگاه باشند. مدیریت جمعیت کیفری در زندان‌های ایران در تقابل با موازین حقوق بشری بیانیه‌های کامپالا و آروشا بوده است. چراکه برابر مندرجات این اسناد حقوق بشری، مدیریت زندان به‌مثابه خدمات اجتماعی دانسته شده که دولت‌ها بایستی منابع مالی لازم برای انجام هر چه‌بهر وظایف کارکنان زندان‌ها را فراهم نمایند. مقام‌های تعقیب‌کننده نیز می‌بایستی نسبت به مشکلات ناشی از ازدحام زندان‌ها آگاه بوده و با برقراری ارتباط به مدیریت زندان‌ها نسبت به اتخاذ راه‌حل‌های مناسب در این زمینه اقدام نمایند. ازدحام جمعیت کیفری در زندان‌های ایران، اصول کلانی چون اصل کرامت انسانی یا دیگر اصول اخلاقی و حقوق بشری مثل اصول پایه‌ای مجازات زندانیان، نحوه تعامل با آنان، طبقه‌بندی و فردی‌سازی آن‌ها، سیستم امتیازدهی، کار، آموزش و سرگرمی، ارتباطات اجتماعی و مراقبت‌های پس از خروج زندانیان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۳-۲- قطعنامه‌ها و بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در قطعنامه شماره ۱۷۳/۴۳ مجمع عمومی سازمان ملل که با عنوان «مجموعه اصولی برای

^۱. Arusha Declaration on Good Prison Practice

صیانت همه افراد از انواع اشکال بازداشت و حبس، در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب رسیده است، به اصول حقوق بشری چون ضرورت رفتار با زندانیان بر اساس کرامت ذاتی شخص انسانی، ضرورت بازداشت و زندانی کردن افراد بر اساس تمهیدات قانونی توسط مقام‌های صلاحیت‌دار، ضرورت کنترل و نظارت مقام‌های قضایی بر اجرای استانداردهای مربوط به اجرای مجازات حبس توجه شده است. به خاطر ازدحام زندانیان در زندان‌ها، با توجه به حداقلی بودن استانداردها و هنجارهای سازمان ملل در خصوص زندانیان، نباید از همه یا برخی از این اصول حقوق بشری اغماض شود. از این رو با توجه به آمار بیش از حد جمعیت کیفری در زندان‌های ایران، ناقض اصل غیرقابل اغماض بودن آمندرج در این سند است.

از دیگر اسناد حقوق بشری ناظر بر مجازات حبس و تعامل با زندانیان، قطعنامه شماره ۱۱۱/۴۵ مجمع عمومی سازمان ملل مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ با عنوان «اصول اساسی در باب رفتار با زندانیان» است (General Assembly Resolution 45/111). به جهت تراکم بیش از حد زندانیان در زندان‌های ایران، اصل احترام به کرامت ذاتی زندانیان پیش‌بینی شده در این قطعنامه و اصل برخورداری از حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفته می‌شود. صرف نظر از این موضوع مهم، سند «استانداردهای حداقلی حاکم بر اقدام‌های جایگزین حبس» است که در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ به صورت قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسیده است (General Assembly Resolution 45/110). از جمله مباحث مهم و قابل بررسی در این سند حقوق بشری، لزوم مقارنه افزایش مجازات‌های جایگزین حبس با کاهش مجازات حبس و عدم ملازمه بین کارآمد نبودن مجازات‌های جایگزین حبس و ضرورت اجرای مجازات حبس بوده است.

۳-۳- اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی ناظر بر بازداشت‌های قبل از دادرسی

«بر اساس بند ۸ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نه تنها بازداشت قبل از محاکمه و انتظار دادرسی نباید به‌مثابه قاعده اصلی و عمومی شناخته شود، بلکه با توجه به بند ۶

¹. The Inherent Dignity of the Human Person

². There Shall be no Restriction Upon or Derogation from any of the Human Rights of Persons.

قواعد توکیو، اصل و قاعده اجتناب از بازداشت قبل از محاکمه است. مقدمه توصیه‌نامه R(2006)13 شورای اروپا، استفاده از بازداشت موقت را همیشه یک استثنا دانسته که همواره باید به‌مثابه آخرین ابزار در فرایند کیفری شناخته شود؛ آن‌هم جایی که توسل به سایر اقدام‌ها غیرممکن باشد. اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد ۲۰۰۰، آزادی را اولین ارزش و اصل قلمداد نموده و بر حق آزادی متهم تا صدور حکم و لزوم پرهیز از بازداشت قبل از دادرسی به‌مثابه اولین اصل در مقررات مربوطه تأکید می‌نماید. استثنایی بودن بازداشت‌ها ایجاب می‌نماید، ضرورت آن برای مقام قضایی صالح احراز و اثبات گردد. در اصل ۸۱ «مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاصی که تحت هر شکل در بازداشت یا حبس هستند» مصوب قطعنامه شماره ۴۳/۱۷۳ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی سازمان ملل نیز به لزوم بررسی ضرورت بازداشت از سوی مقام قضایی اشاره شده است. در بند ۱ ماده ۱ توصیه‌نامه R(99)22 شورای اروپا، قرائن و اماراتی مانند جدی بودن و شدت جرم برای احراز ضرورت بازداشت معرفی شده است. به‌موجب مقدمه اصول اساسی درباره استقلال قوه قضائیه ۱۹۸۵؛ اصل چهار مجموعه‌ای با عنوان اصول برای حمایت از اشخاص بازداشتی یا محبوس ۱۹۸۸ و هم چنین ماده ۱۳ توصیه‌نامه R(2006)13 شورای اروپا، هر شکلی از بازداشت یا حبس باید به دستور، مجوز و کنترل مؤثر مقام‌های قضایی صورت بگیرد» (Ashouri and et.al, 2019: 4-10). بر پایه این مقررات بین‌المللی، بر اساس آمار ارائه شده از ازدحام جمعیت کیفری به علت فراوانی استفاده قضات محاکم ایران از بازداشت‌های قبل از محاکمه، استانداردهای حداقل حقوق بشری متهمان و اصول کلی ناظر بر شیوه‌های جایگزین بازداشت قبل از محاکمه مندرج در این اسناد را نقض می‌نماید.

نتیجه‌گیری

ازدحام در زندان‌ها بر مبنای آموزه‌های علوم جنایی تجربی، دارای ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، حقوقی، اجتماعی و روانی است و لذا نباید از یک منظر به بررسی آن پرداخت.

۱. مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان در ۲۶ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ در میلان ایتالیا و تأیید مجمع عمومی طی قطعنامه‌های شماره ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵.

ناکارآمدی یا عملکرد نامطلوب در هر یک از این بخش‌ها می‌تواند منجر به تورم جمعیت کیفری شود. در تورم جمعیت کیفری زندان‌های ایران عوامل متعددی مؤثر هستند که برخی از آن‌ها منشأ برون دستگاهی یعنی خارج از قوه قضاییه دارند. از جمله این عوامل، جرم‌انگاری حداکثری و جرم تلقی نمودن تخلفاتی است که می‌توان در مقابل آن از واکنش‌ها و مجازات‌های دیگری به‌غیر از حبس استفاده نمود. حبس محوری و تأکید بر مجازات حبس تا آنجا پیش رفته است که برای اعمال کم‌اهمیتی که وجدان جمعی جامعه را به‌هیچ‌عنوان جریحه‌دار نمی‌سازد هم کیفر حبس در نظر گرفته شده است. یکی دیگر از علل پدید آمدن تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، نهادینه شدن فرهنگ حبس‌گرایی در جامعه است. متأسفانه نه تنها عامه مردم، بلکه در بسیاری از موارد قضات تحت تأثیر افکار عمومی از مجازات حبس استفاده می‌کنند. رشد فزاینده نرخ بازداشت‌های قبل از محاکمه هم یکی از عوامل اصلی افزایش جمعیت کیفری در زندان‌هاست. در علت‌شناسی بالا بودن جمعیت کیفری در زندان‌ها بر اساس مطالعات علوم جنایی تجربی، ابتدا باید در مورد ریشه‌هایی بحث شود که باعث افزایش جمعیت کیفری می‌گردند. تمام قوا از سیاست جنایی منسجمی تبعیت نمی‌نمایند و از نظر تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، بسیاری از مردم عادی و حتی متخصصان در ایران برای قانون جایگاهی فراتر از توان آن در نظر می‌گیرند. برای فهم چرایی افزایش جمعیت کیفری بایستی آسیب‌شناسی نمود که چرا قانون‌گریزی و ارتکاب جرائم با رشدی فزاینده و بیش‌تر از حد متعارف روبه‌رو است. به‌هر حال تورم جمعیت کیفری زندان‌ها معضلی دیرینه است که با تمام تلاش‌هایی که در این دو دهه انجام گرفته و مقرراتی هم در این زمینه تصویب شده، هم چنان ناگشوده باقی‌مانده است. با توجه به این که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در کنار موانع و محدودیت‌های ارفاقی قانون‌گذار و قضات در قبال پاره‌ای از جرایم، تصویب مقررات عمدتاً حبس‌زاه، فراوانی گستره کیفر حبس در رویه قضایی و نرخ بالای بازداشت‌های قبل از محاکمه، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تورم جمعیت کیفری در زندان‌های ایران شناسایی شدند. از این‌رو، با پابندی به راهبردهای ناظر بر شاخص نرخ جمعیت کیفری مطرح شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر زندانیان، می‌توان آن را مدیریت نمود. در این میان، چگونگی تعامل با زندانی و رعایت استانداردهای بین‌المللی نیز شایسته توجه است و

بر تحول کیفیت و کمیت کیفر حبس اثرگذار بوده و باید در تحولات آتی مدیریت جمعیت کیفری در زندان‌های ایران، بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گیرد. لذا ازجمله موانع و چالش‌های ازدحام زندانیان در زندان‌ها، نقض آموزه‌های حقوق بشری است. با توجه به بررسی اسناد بین‌المللی و شناسایی برخی موارد نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر در زندان‌های ایران، می‌توان ادعان داشت که هرچند اسناد بین‌المللی در گرایش مقنن ایرانی به جایگزین‌های حبس مؤثر بوده‌اند، لیکن سیاست حبس زدایی هم چنان غیرقابل اجر بوده و مدیریت جمعیت کیفری با توجه به علت شناسی صورت گرفته در این پژوهش از منظر علوم جنایی تجربی با بحران مواجه است. لذا استانداردها و راهبردهای حقوق بین‌الملل بشر بر اساس تعهدات بین‌المللی دولت ایران، در راستای توجه به اصل ضرورت اکتفا به حداقل، می‌بایستی در زندان‌های ایران برای ارتقای کیفیت اجرای کیفر حبس نسبت به زندانیان رعایت گردد. بررسی مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این باب و تصویب و اجرایی شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از یازدهم تیرماه ۱۳۹۹ و هم‌چنین اجرای سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۸ و نیز سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در بخش قضایی مصوب ۱۳۹۴ در خصوص کاهش استفاده از کیفر حبس، دلالت بر این امر دارد که راهبردهای حقوق بشری ازجمله ضرورت توجه بر استانداردهای زندان‌ها و نظارت بر آمار ورودی زندان‌ها، استفاده از اقدامات جایگزین حبس و اجتناب از بازداشت قبل از محاکمه و احراز ضرورت بازداشت می‌تواند زمینه اصلاح مدیریت جمعیت کیفری به‌منظور کنترل و کاهش ازدحام زندانیان در زندان‌ها را فراهم آورد. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود قبل از ارائه و اجرای راهبردهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، دلایل افزایش ازدحام این جمعیت در زندان‌های ایران بر پایه مطالعات علوم جنایی تجربی آسیب‌شناسی شود. در ارزیابی پیامدهای جرم‌شناختی هر نوع تدبیر جایگزین حبسی هم به این آموزه‌ها توجه شود تا نظام عدالت کیفری را با سیاست‌گذاری‌های غیرعلمی و غیرتجربی به محاق نبرده و ناگزیر نباشیم در جهت برون‌رفت از نتایج سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی سرگردان، به‌مثابه آموزه‌های مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی، بزهکاران را مجدداً به سیاه‌چال‌های قرون‌وسطی، لیکن متورم‌تر و با جمعیت کیفری افزون‌تر از سده‌های میانی گسیل نماییم.

References

1. Alishahi, A., Masoudnia, H., Soleimani Sochlmaei, H., Mohammaddost, A. (2020). The Nature of Donald Trump's Racist Policies for Black Americans: From 2016 to the Corona Pandemic. *International Studies Journal (ISJ)*, 17(2), 131-151. **(In Persian)**
2. Amirarajmand, A. (2002). *Collection of International Human Rights Documents C 1*, Tehran: Shahid Beheshti University Press. **(In Persian)**
3. Ashouri, M., Ansari, J. (2018). Factors in the Increase in the Criminal Population Resulting from Pre-Trial Detention. *Legal Quarterly of Justice*, 82(102), 33-11. **(In Persian)**
4. Ashouri, M., Saffari, A., Ansari, J. (2019). Standards of Minimum Pre-Trial Detention in International Documents and Iranian Law. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, 24(86), 1-19. **(In Persian)**
5. Bageri Hamed, Y. (2019). Human Rights Education and the Right to Health and Uncle Health. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(1), 63-82. **(In Persian)**
6. Bahremand, H. (2017). The Policy of Deprivation of Liberty in the Legislative System of the Islamic Republic of Iran. *Strategy Quarterly*, 26(82), 382-357. **(In Persian)**
7. Bahremand, H., Ahmadzadeh, R., Rostami, S. (2017). Investigation of Arfaqi Institutions in Drug Crimes. *Detective Quarterly*, 9(39): 55-39. **(In Persian)**
8. Basic Principles for the Treatment of Prisoners (1990). *Adopted and Proclaimed by General Assembly Resolution 45/111*, December 14, at: <https://www.un.org>
9. Beigi, J., Beigi, H. (2019). *Alternative Punishments to Imprisonment for Juvenile Delinquency*, Tehran: Fanoos Donya Publishing, First Edition. **(In Persian)**

10. Beigi, J. (2008). Income on Public Services as a Social Punishment (Comparative Study). *Journal of the East Azerbaijan Bar Association*, 1(11), 34-2. **(In Persian)**
11. *BJS- Correctional Populations in the United States* (2014). 2020/3/31 at: <https://www.bjs.gov>
12. Body of Principles for the Protection of all Persons under any Form of Detention or Imprisonment (Principles on Detention) (1988). *Adopted by General Assembly Resolution 43/173*, December 9, at: <https://www.un.org>
13. Bullk, B. (2012). *Criminology, Translated by Ali Hossein Najafi Aberandabadi*, Tehran: Majd Publishing, 8th edition. **(In Persian)**
14. Carrier, R., Freeman, H., Robinson, D., Wilmsharst, E. (2018). *Introduction to International Criminal Law and Procedure*. Translated by Abiri, A., and Ameri, Z., Tehran: Khorsandi Publishing, Second Edition. **(In Persian)**
15. Davoodi Garmaroodi, H. (2007). *Thoughts of Punishment and Factors Affecting the Size of the Criminal Population, Maedeh Mirshams Shahshahani, Proceedings of the Conference on Strategies for Reducing the Prison Penal Population*. Tehran: Mizan Publishing, First Edition. **(In Persian)**
16. Davoodi Garmaroodi, H. (2006). Extent of Freedom versus Criminal Law, *Nedaye Sadegh Quarterly*, 3(43), 27-1. **(In Persian)**
17. Economic and Social Council Resolution (1999). 1999/27 *Annex*
18. General Assembly Resolution 45/110. *Annex*.
19. General Assembly Resolution 45/111. *Annex*.
20. Goodarzi Boroujerdi, M. R., Javanfar, A. (2003). Prison Insufficiency. *Theology and Law Quarterly*, (9-10), 147-105. **(In Persian)**

21. Gholami, H. (2016). *Criminology: Generalities and Principles of Crime Response*, Tehran: Mizan Publishing, First Edition. **(In Persian)**
22. Griffiths, C. T., Murdoch, D. J. (2009). *Strategies and Best Practices against Overcrowding in Correctional Institutions, the International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy*, Vancouver: British Columbia.
23. Grosk, T. (2001). *Stabilization of Prison Population May be Deceptive*, at: <https://www.tgorski.com>
24. Habibzadeh, M. J., Zeinali, A. H. (2005). An Introduction to Some Limitations of Practical Criminology (Necessity of Assessing the Benefits and Benefits of Crime). *Legal Quarterly*, 1(1), 26-3. **(In Persian)**
25. Hans Burke, A. (2015). *Congestion in Prisons*. Translated by Gholami, H., Tehran: Mizan Publishing. **(In Persian)**
26. Jones, T., Newburn, T. (2002). Policy Convergence and Crime Control in the USA and the UK, Streams of Influence and Levels of Impact. *Criminology and Criminal Justice*, 2(2), 173-203.
27. Losel, F. (1998). *The Importance of Offender Programming: German and International Evaluations, A Paper Presented at the International Beyond Prisons Symposium, March 15-19 1998. Donald Gordon Centre*, Kingston: Queen's University, at: <https://www.csc-scc.gc.ca>
28. Mansourabadi, A., Konani, S. (2010). The Context of Community-Based Punishments with Emphasis on Iran's Criminal Policy Approach. *Journal of Crime Prevention Studies*, 5(15), 7-32. **(In Persian)**

29. Mohammadnejad, P. (2005). Imprisonment and Deprivation of Liberty in the Book of Punishments. *Journal of Correction and Education*, 2(47), 36-34. **(In Persian)**
30. Moradi Dalvand, A. (2015). Release from Prison and the Challenges It Faces with Emphasis on the Islamic Penal Code. *Master Thesis in Criminal Law and Criminology*, Hamedan: Bu Ali Sina University. **(In Persian)**
31. Mirkhalili, S. M., Yaghoubi, T. (2017). Investigation of Judicial Factors of Increasing the Criminal Population of Prisoners. *Strategy Quarterly*, 82(102), 99-128. **(In Persian)**
32. Muezzin Zadehan, H. A. (1994). The Right of the Accused to Defend Himself in the Criminal Procedure and Its Comparative Study, *PhD. Thesis in Criminal law and Criminology*, Tehran: Tarbiat Modares University. **(In Persian)**
33. *Nations Office on Drugs and Crime* (2011). Prison Reform and Alternatives to Imprisonment, Prepared by the Justice Section, Division for Operations, at: <https://www.unodc.org/unodc/en/justice-and-prison-reform/prison-reform-and-alternatives-to-imprisonment.html>
34. Nazerzadeh Kermani, F., Emami Ghaffari, Z. (2014). A Study of the Procedure and Attitude of Judges in Tehran Children's Courts to Alternatives – Imprisonment. *Journal of Judicial Law Perspectives*, 19(65), 180-157. **(In Persian)**
35. Niazpour, A. H. (2007). Criminal Science: Concept and Types. *Journal of Crime Prevention Studies*, 2(3), 108-85. **(In Persian)**
36. Pour Qahramani, B., Neghadar, I. (2019). Evaluation of Judges' Approach to Applying New Arfaqi Institutions (Case Study of Criminal Courts in Kurdistan Province). *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 48(2), 255-227. **(In Persian)**

37. Pourmahiabadi, H., Bustani, D., Ghomashi, S. (2018). The Rule of Imprisonment and the Dream of Imprisonment in Iranian Criminal Policy (Case Study of the Kerman Judiciary). *Journal of Criminal Law*, 9(1), 59-33. **(In Persian)**
38. Pourmand, H. (2019). Practical Strategies for Reducing the Criminal Population in Iranian Prisons, *Lecture at the National Conference on Criminal Population Management: Theory and Procedure*, May 1, Tehran: Shahid Beheshti University. **(In Persian)**
39. Rahimi Nejad., I., Habibzadeh, M. J. (2008). Disproportionate Punishments Punishments Contrary to Human Dignity. *Law Quarterly*, 38(2), 115-134. **(In Persian)**
40. Riazat, Z/ (2018). The Role of International Documents and Human Rights in the Evolution of Imprisonment and Alternative to Imprisonment. *Advocate Quarterly*, 8(17), 17-36. **(In Persian)**
41. Recommendation No. R. (99)22 Concerning Prison Overcrowding & Prison Population Inflation (1999). *Adopted by the Committee of Ministers on 30 September at the 681st Meeting of the Ministers' Deputies*, at: <https://rm.coe.int/168070c8ad>
42. Recommendation Rec (2006). 13 of the Committee of Ministers to Member States on the use of Remand in Custody, the Conditions in which it Takes Place and the Provision of Safeguards against Abuse (2006). *Adopted by the Committee of Ministers on 27 September 2006 at the 974th meeting of the Ministers' Deputies*, at: <https://pjp-eu.coe.int/documents/41781569/42171329/CMRec+%282006%29+13+on+the+use+of+remand+in+custody%2C+the+conditions+in+which+it+takes+place+and+the+provision+of+safeguard+against+abuse.pdf/ccde55db-7aa4-4e11-90ba-38e4467efd7b>

43. Saeedi Nazad, Y. (2009). A Comparative Study of Imprisonment in Iranian and British Law. *Master Thesis in Criminal Law and Criminology*, Tehran: Shahid Beheshti University. **(In Persian)**
44. Sasaki, M. (2011). Workshop Programme on Strategies and Best Practices Against Overcrowding in Correctional Facilities. *United Nations Asia and Far East Institute for the Prevention of Crime & the Treatment of Offenders (UNAFEI) Turkey, Japan*.
45. Sparks, R. (2002). Criminal Strictness: Has the Doctrine of Merit Less Revived?. Roger Matthews and Peter Francis, Prisoners in the Third Millennium. *International Perspectives on the Current and Future Status of Imprisonment*, Translated by Leila Akbari, L., Tehran: Rah-e Tarbiat Publishing, First Edition. **(In Persian)**
46. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (1955). *United Nations Specialized Conferences*, at: <https://www.refworld.org>
47. United Nations Office on Drugs and Crime (2013). *Handbook on Strategies to Reduce Overcrowding in Prisons, Criminal Justice Handbook Series*. Publishing Production: English, Publishing and Library Section, United Nations Office at Vienna.
48. United Nations Standard Minimum Rules for Non- Custodial Measures (The Tokyo Rules) (1990). *Adopted by General Assembly resolution 45/110*, December 14, at: <https://www.un.org>
49. Vaziri, M., Hosseini, H. (2018). The Necessity of Imprisoning Delinquent Female-Heads of Household in Iranian Jurisprudence and Law (with an Approach to French Law). *Journal of Strategic Studies in Jurisprudence and Law*, 1(1), 79-57. **(In Persian)**
50. Walmsley, R. (2013). *World Prison Population List: International Center for Prison Studies*. London: International Prison Publications, Tenth Edition, 2020/3/31 at:

<http://www.prisonstudies.org>

51. Yazdanian, M. R. (2002). Special Rules and Rules Governing Temporary Detention.

Legal Quarterly of Justice, 10(40), 243-238. **(In Persian)**